سال بیست و دوم ■ شماره ۶۳۵۸
یکشنبه ■ ۲۳ آبان ۱۳۹۵

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی

editorial@iran-newspaper.com

مدیرمسئول: محمد فاضلی
سردبیر: داوود محمدی
نمابر: ۴ ۸۸۷۶۱۲۵۴ تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ روابط عمومی: ۵-۸۸۷۶۹۰۷۴
نشانی: تهران خیابان خرمشهر- شماره ۲۰۸ صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ – روابط عمومی
چاپ: افست، چاپ همزمان اصفهان (رسانه برتر)
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ تلفن: ۴-۸۸۵۰۰۶۰۱ پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷
میثاقنامه اخلاق روزنامه‌نگاران ایران: www.ion.ir/news/19949.html

سخن روز

امام رضا(ع):
انسان متواضع، خشم خود را فرو می‌خورد و از خطای مردم درمی‌گذرد.
(اصول کافی، جلد ۳، ص ۱۸۹)

مکاشفه

پیمان مقدم

این بود انشای من!

جناب سعید جلیلی: اگر اجازه ندادن به دیکته گفتن دشمنان به معنای انشا خواندن است ما در مذاکرات انشامی‌خواندیم!

***

آلماتی - قزاقستان - فروردین سال ۹۲: (آقا اجازه... می‌دانم که الان زنگ انشا نیست اما من دلم می‌خواهد انشا بخوانم. این حق طبیعی من به‌عنوان یک آدمیزاد روی کره خاکی است. اصلاً نمره انضباط من رو کم کنید. اما من باید انشاااااابخووووووووونمممممممممم)

اینک که قلم به دست می‌گیرم و نوشتن آغاز می‌کنم می‌خواهم بگویم که علم بهتر است یا ثروت؟! واقعاً در این دنیا ثروت چه ارزشی دارد؟ پول چرک کف دست است. پول انقدر بی‌ارزش است که روزگاری در آینده فرا خواهد رسید که یک پولدار می‌شود همه کاره امریکا، در نتیجه ثروت مند بودن هم خز خواهد شد. در دنیا علم و دانش است که ارزش بالایی دارد. در محله ما دخترخانمی هست که در زیرزمین منزل‌شان اورانیوم غنی کرده. پس آدم‌ها بهتر است علم داشته باشند تا دل‌شان به اصحاب زر و زورخوش باشد. ما در کشورمان کسانی را داریم که انقدر علم‌شان بالاست که تمام ثروت‌های عالم را هم بدهید در اندک زمانی چنان از دیده‌ها نهانش می‌کنند که شما مات و مبهوت می‌شوید. در نتیجه من وقتی بزرگ شدم حتماً می‌خواهم عالم آن علوم شوم تا حتی برای علم و دانش هم به غرب وابسته نباشم. این بود انشای من!

نظریه معلم: با سلام. دانش‌آموز س.ج در زنگ اجتماعی اصرار داشت که املا نمی‌نویسد و می‌خواهد انشا بخواند. در زنگ علوم و ریاضی هم کنفرانس تاریخ ارائه کرد و گوشش بدهکار معادلات و تابع‌ها نبود. ایشان در این نیمسال هم مردود است و بهتر است اولیای مدرسه با اولیای خانه ایشان تماس بگیرند و تذکر بدهند که با ۲۰ در انشا و تاریخ، باز هم معدل کل ایشان به حدنصاب قبولی نمی‌رسد. در ضمن دانش‌آموز جریمه شد که در زنگ‌های تفریح به جای خوردن خوراکی جریمه ریاضی انجام دهد. نامبرده نخستین زنگ تفریح را چیزی نخورد اما در نوبت بعد از پنجره کلاس بغلی یک ساندویچ کالباس را به ۵ برابر قیمت خرید تا به جریمه دهن‌کجی کرده باشد. به نظر می‌رسد انتقال ایشان به مدرسه شبانه و اعمال جریمه‌های بازدارنده‌تر نظیر محرومیت از بازی در کوچه و تماشا نکردن انیمیشن‌های سندباد و کارو اندیشه می‌تواند در اصلاح او تأثیر بگذارد.

نظریه اولیای خانه: شما از کی سر کلاس درس دادی؟؟؟۸؟۷؟ آنقدر بچه من رو جریمه کن تا جریمه دانت منهدم شود. بچه من همینه که هست. خیلی ناراحتی آبو بریز اونجا که می‌سوزه. ما دل مون می‌خواد انشا بخونیم، جریمه‌اش روهم می‌دیم. اصلاً ساندویچ و اینا همش بچه بازیه. ما این بچه رو با کیک زرد بزرگش کردیم که بتونه هر جریمه و محدودیتی رو تحمل کنه. شده ببرم اسمش رو تو مدارس ونزوئلا بنویسم نمیذارم بیاد مدرسه شما. اون میم. میم رو لام لام برد...
نظریه اولیای مدرسه: بخشش لازم نیست، تحریمش کنید!

کیوسک

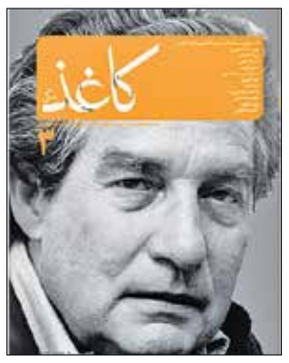

اُکتاویو پاز در «کاغذ رنگی»

تازه ترین شماره فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی «کاغذ رنگی»، به مدیرمسئولی و سردبیری سعیده خجسته‌پور منتشر شد. تصویر روی جلد و صفحات ویژه این شماره به «اُکتاویو پاز»؛ شاعر، نویسنده، منتقد و دیپلمات فقید مکزیکی اختصاص یافته و ترجمه اشعاری از او آمده است. گزارشی از نشست دیدار و گفت‌وگو با «شیوا دولت‌آبادی»؛ روان‌شناس در کتابفروشی آینده، سفرنامه اسکاندیناوی، نوشتار رگه‌های شرقی در چرم ساغری بالزاک به قلم منصور ثروت، مروری بر سه کتاب از غم به شادمانی (گزیده فرج بعد از شدت دهستانی مؤیدی) گزینش اسماعیل حاکمی، پزشکان در قلمرو فرهنگ و هنر اثر محمدحسین عزیزی، این باغ شرقی نوشته پروین سلاحقه و برگزیده آثار شخصی حسین محجوبی به همراه گفت‌وگوهایی با محمد استعلامی، حسین محجوبی و پری صابری عناوین این شماره است. شماره ۳ مجله کاغذ رنگی، در ۱۱۲ صفحه و به قیمت ۱۰ هزار تومان نشر یافته است.

نگاره

استفانو ریچی، تناولی، احصایی مثلث ورود هنر ایران به دنیای مد

به ابتکار برند «استفانو ریچی»، حضور هنر ایران در دنیای مد کلید خورد: «هیچ»های پرویز تناولی دکمه سرآستین شد و نقاشی خط‌های سید محمد احصایی بر ظروف چینی پروسلین نقش بست. استفانو ریچی، برند بین‌المللی و لوکس ایتالیایی که به تولید لباس مردانه و لوازم خانه می‌پردازد، با گذشت مدتی از آغاز فعالیت خود در ایران تصمیم گرفته است ارتباطی با هنرمندان شناخته شده ایرانی برقرار کند تا در مجموعه‌ای محدود، از آثار هنری آنان در محصولات خود بهره ببرد. پرویز تناولی و محمد احصایی دو هنرمندی هستند که برای همکاری از سوی «استفانو ریچی» دعوت شدند تا طرح‌هایی از آنها در قالب دکمه سردست و ظروف خانه تولید شود. با پایان دوره چند ماهه تولید این آثار، مجموعه آثار ریچی با طرح هنرمندان ایرانی رونمایی شد. در آیین رونمایی هنر ایران بر محصولات «استفانو ریچی» چهره‌های شاخص هنرهای تجسمی حضور داشتند.

تبریز	تهران	مشهد	اهواز	بندرعباس	یزد	شیراز	رشت
۱۹	۲۰	۱۸	۳۱	۳۳	۲۵	۲۴	۲۱
۵	۱۰	۴	۱۲	۱۵	۹	۵	۱۰

اذان ظهر ۱۱/۴۹ اذان مغرب ۱۷/۱۷ نیمه شب شرعی ۲۳/۰۵ اذان صبح فردا ۵/۱۳ طلوع آفتاب فردا ۶/۴۰

عکس‌نوشت

ندا سیجانی

عکس: مسعود اسدی

محمدابراهیم شریف‌زاده
دیروز در ۸۰ سالگی درگذشت

خاموشی خنیاگر خراسان

استاد محمد ابراهیم شریف‌زاده از بازماندگان نسل طلایی موسیقی خراسان است. نسل هنرمندان و استادان ساز و آوازی چون حاج نورمحمد دریور، غلامعلی پورعطایی، ذوالفقار عسکریان، عبدالله سروراحمدی، حسین سمندری و غلامعلی نینواکه حالا تعداد انگشت شماری از این هنرمندان در قید حیات هستند. خنیاگرانی که نوای موسیقی اصیل ایرانی را که ریشه در فرهنگ و هنر این مرز و بوم دارد به گوش دنیا رساندند. ابراهیم شریف‌زاده خواننده و آهنگساز موسیقی مقامی متولد ۱۳۱۵ و از اهالی شهر باخَرز از توابع استان خراسان رضوی بود. خوانندگی را از کودکی آغاز کرد و در محضر استادانی چون غلامرضا قوی تن با موسیقی آشنا شد و از سال ۱۳۴۲ در جشنواره‌ها حضور پیدا کرد. شریف‌زاده خالق آهنگ‌های معروفی چون «سروخرامان»، «دلبررعنا»، «دختر عموجان»، «یار وفادار»، «یاغیاث‌المستغیثین» و بسیاری از قطعات دیگر موسیقی نواحی بوده و طی همکاری ۶۰ ساله که با غلامحسین سمندری از دوتار نوازان شهیر باخرزی داشته، آلبوم موسیقی «خون‌پاش و نغمه‌ریز» تولید شده است. اذان معروف وی که به شیوه‌ای منحصر به‌فرد خوانده می‌شود، توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود معطوف کرده‌است. تفاوت خواندن شریف‌زاده با سایر استادان موسیقی محلی خراسان در این بود که او علاوه بر اجرای حزن انگیز موسیقی این خطه، نغمه‌هایی را به صورت حماسی اجرا کرده که پژوهشگران معتقدند هیچ کس در تاریخ موسیقی خراسان آن را به این صورت نمی‌خوانده است.

پیکر ابراهیم شریف‌زاده امروز یکشنبه ۲۳ آبان ماه ساعت ۹ صبح از مقابل منزلش در شهر باخرز تشییع و در کنار استاد غلامحسین سمندری به خاک سپرده شد.

حافظ میراث گذشته

هوشنگ جاوید
پژوهشگر موسیقی مقامی

پدر استاد محمد ابراهیم شریف‌زاده فردی نظامی بود که از شمال خراسان به منطقه باخرز عزیمت کرد و در آنجا ساکن شد. او در طول زمان با موسیقی جنوب خراسان بخوبی آشنایی پیدا کرد و توانست بهره‌های بسیار خوبی از این موسیقی بگیرد تا جایی که توانست استادی خود را در آواز به اثبات برساند. زنده یاد شریف‌زاده روی یکی از مقام‌های کهن منطقه تربت جام شعری از مولانا را با عنوان «سروخرامان» برای نخستین بار انتخاب کرد و به اجرا در آورد که بعدها بیژن بیژنی با تنظیم کامبیز روشن روان آن را اجرا کرد. از دیگر مسائلی که درباره استاد شریف‌زاده اهمیت دارد این است که او با توجه به تلمذ در محضر استادان تلاش کرد تمامی آوازهای قدیم را که در منطقه وجود داشت حفظ کند. به عنوان مثال تعدادی از آوازهایی را که در عروسی‌ها خوانده می‌شد و بازمانده‌ای از مکتب آوازی سند و پنجاب یا مکتب هرات که در منطقه خراسان قدیم رایج بود، بخوبی توانسته بود جمع‌آوری شان کند؛ مانند بیت معروف «بادلبر رعنا برسان سلامی از یار وفادار...» که خود یک منظومه بلند و عاشقانه است که ایشان آن را بخوبی حفظ و اجرا کرد. از دیگر ویژگی های کار استاد شریف‌زاده این بود که هرگز راضی نمی‌شد در نغمات اضافه کاری انجام شود و بدعت تازه‌ای از خود داشته باشد، بلکه همیشه تلاشش این بوده هنر قدیمی ای را که از گذشته به میراث برده بود به اجرا بگذارد. آنچه مهم است این است که استاد مرتضی کاخی، آقای شریف‌زاده را به استاد مهدی اخوان ثالث معرفی کرد و به مجرد اینکه کار او و استاد سمندری را که سالیان سال با هم فعالیت داشتند می‌شنود دگرگون می‌شود و تحت تأثیر این هنر، شعر معروف «چه گویی» را که از ساخته‌های زیبای ایشان است می‌سراید که بعدها حسین سمندری و ابراهیم شریف‌زاده در آلبوم خون‌پاش و نغمه‌ریز این شعر را اجرا کردند.

استاد شریف‌زاده نخستین کسی است که به جشنواره‌های کشوری راه پیدا کرد و از هنر او استفاده شد. همچنین در چندین جشنواره بین‌المللی داخلی و خارجی حضور جدی پیدا کرد و دفاع خوبی هم از موسیقی آوازی ایران داشت؛ اما متأسفانه در سال‌های اخیر کمتر به ایشان توجه شد و در عزلت قرار گرفت و خانواده‌اش نگران حال او بودند. گلایه من از دوستانی است که در هیأت ارزشیابی و نظارت کشور مشغول به کار هستند و در مورد این عزیز جفا کردند. علت آن را نمی‌دانم که چه اتفاقی افتاد و در رابطه با اهدای درجه هنری که باید به آقای شریف‌زاده تعلق می‌گرفت تعلل کردند و دکترای ایشان را ندادند و متأسفانه بدون دریافت درجه هنری از دنیا رفت. استاد شریف‌زاده یکی از بازمانده‌های جدی غزل خوانی قدیم، نعت خوانی، حمد خوانی و حتی مرثیه سرایی و ذکر خوانی در منطقه جنوب خراسان و تربت جام، تابیاد و باخرز بود که با رفتن این عزیزان بخشی از یک فرهنگ از بین می‌رود و چون شاگردی هم نداشت تمام داشته‌هایش با او به زیر خاک رفت.

آن سوی مرز

علی مقدم
دانش‌آموخته سینما

درباره «ریچارد برتون»؛ بازیگر انگلیسی به بهانه زادروز او

پرحاشیه محبوب

ریچارد برتون (Richard Burton) هنرپیشه انگلیسی در ۱۰ نوامبر ۱۹۲۵ (۲۰ آبان ۱۳۰۴) در شهر کوچک ولززاده شد. برتون بین دهه ۱۹۴۰ فعالیت خود را در سینما آغاز کرد و این روند تا سال ۱۹۸۰ ادامه داشت. او در سال ۱۹۵۲ به صورت حرفه‌ای وارد هالیوود شد. ریچارد بازیگر پرحاشیه هالیوود محسوب می‌شد؛ اما این چیزی از محبوبیت وی کم نمی‌کرد. از نشانه‌های پرحاشیه بودن آقای برتون می‌توان به این نکته اشاره کرد که وی در طول سال‌های فعالیتش پنج بار ازدواج کرد؛ سیبیل ویلیامز (۵ فوریه ۱۹۴۹-۵ دسامبر ۱۹۶۳)، الیزابت تیلور (۱۵ مارس ۱۹۶۴-۲۶ ژوئن ۱۹۷۴)، الیزابت تیلور (۱ اوت ۱۹۷۵-۱۰ اکتبر ۱۹۷۶)، (۲۱ اوت ۱۹۷۶-۱۹۸۲) و سالی هی (۳ ژوئیه ۱۹۸۲-۵ اوت ۱۹۸۴). در میان این حواشی او هفت بار نامزد جایزه اسکار شد، اما هرگز قادر به کسب این افتخار بزرگ نشد. البته جوایز متعدد و ارزشمندی در جشنواره‌های معتبر هنری کسب کرده، که در حوصله این سطور نمی‌گنجد. ریچارد برتون بر اثر خونریزی مغزی در ۵ آگوست ۱۹۸۴ در سن ۵۸ سالگی درگذشت. از آثار مهمی که این بازیگر محبوب در آن به ایفای نقش پرداخته می‌توان به: موش‌های صحرا (۱۹۵۳)، اسکندر کبیر (۱۹۵۶)، پیروزی تلخ (۱۹۵۷)، رؤیای شب نیمه تابستان (۱۹۵۹) (راوی)، طولانی ترین روز (۱۹۶۲)، کلئوپاترا (۱۹۶۳ همراه با الیزابت تیلور)، آدم‌های خیلی مهم (۱۹۶۳)، شب ایگوانا (۱۹۶۴)، هملت (۱۹۶۴)، چه کسی از ویرجینیا وولف می‌ترسد؟ (۱۹۶۶)، رام کردن زن سرکش (۱۹۶۷) تهیه‌کننده، دکتر فاستوس (۱۹۶۷) همچنین تهیه‌کننده و کارگردان، کمدین (۱۹۶۷)، قلعه عقاب‌ها (۱۹۶۸)، پلکان (۱۹۶۹)، یک هزار روز از آن (۱۹۶۹)، ترور تروتسکی (۱۹۷۲)، جن‌گیر ۲: مرتد (۱۹۷۷)، آلیس در سرزمین عجایب (۱۹۸۳)، هزار و نهصد و هشتاد و چهار (۱۹۸۴) و جزیره اریس (۱۹۸۴) اشاره کرد.

یادبود

کوروش کمالی سروستانی
مدیر مرکز فارس‌شناسی

۲۰۲ سال پس از درگذشت «کریم‌خان‌زند»

حاکمِ عادل

قضاوت تاریخ درباره حاکمان و پادشاهان در نسبت با سیره و سیاست‌های آنها صورت می‌گیرد. «کریم‌خان زند» در دوران حکومت ۳۰ ساله خود، هم به عهد خود وفادار بود و هم عدالتخواه، هم در عمران و آبادانی کوشید و هم مسائل فرهنگی و مذهبی را پیش چشم داشت. در روزگار او، بیش از بقیه، شیراز رونق یافت و بخش اعظم بافت تاریخی امروز این شهر شامل عمارت کلاه‌فرنگی، ارگ کریم‌خانی، باغ و تکیه هفت‌تنان، بازار وکیل، مسجد وکیل و حمام وکیل بنا شد. ارج‌گذاری به مفاخر سرلوحه کارهایش بود؛ برای شیخ کبیر (ابن‌خفیف)، سعدی و حافظ، مقبره ساخت و حتی آندره گدار فرانسوی، هنگام ساخت آرامگاه حافظ، از بنای آن زمان وام گرفت که حتی امروز هم، ستون‌هایی از آن روزگار پابرجا است. مدرسه خان که مَدرَس ملاصدرا بود را بازسازی و احترام کرد. در عهد او، فضاهای عمومی شهری رنگ آرامش به خود گرفت؛ محله‌های شهر را سنگفرش ساخت، جالب‌تر آنکه کانال فاضلاب احداث و آب شیرین در شهر برای رعیت، مهیا کرد.

در آیین‌های مذهبی، اگرچه پیش از او، شمایل‌گردانی وجود داشت، اما طبق روایت استاد صادق همایونی، در زمانه او بود که تعزیه‌خوانی شکل جدی‌تری به خود گرفت. به تساهل مذهبی معتقد بود و نقل است که نه تنها اقلیت‌های دینی در آزادی بودند، بلکه تلاش می‌کرد تا میان اهل تشیع و تسنن در جهان اسلام، وحدت آفرین باشد. او کوشید در راستای منافع مردم گام بردارد. البسه ساده به تن می‌کرد و هیچ‌گاه تاجگذاری نکرد. به همین سبب هم او را وکیل الرعایا ملقب ساختند.

پس از نشستن بر اریکه قدرت و تثبیت حکومت، مدافع ایران بود و از جنگ‌طلبی و توسعه‌غیرمنطقی دوری می‌گزید. با ایل‌های قدرتمند و حاکمان مستقل مانند قاجار در شمال و میرمهنا در جنوب، رابطه خوبی برقرار کرد که در نتیجه، کمتر غائله‌ای در آن زمان رخ داد. نمایندگان سیاسی کشورهای دیگر، در دوران حاکمیت او، بیشترین آیند و روند را به ایران پیدا کردند اما مهم آنکه او هیچ امتیاز ضدملی به آنها نداد. پادشاهی که کارنامه قابل قبولی از خود به جای نهاد تا جایی که نه تنها در روزگار حیات خود، حاکمی محبوب که حتی امروز هم، نامش بر خیابانی در پایتخت و البته دارالحکومه‌اش (شیراز) هنوز رخ‌نمایی می‌کند.

یکشنبه بازار فرهنگ

■ **نشست «زن، کتاب، توسعه پایدار»**
نشست «زن، کتاب، توسعه پایدار» امروز ساعت ۹ صبح در کتابخانه ملی برگزار می‌شود.

■ **افتتاحیه «نفس» در پردیس کوروش**
مراسم افتتاحیه رسمی فیلم سینمایی «نفس» به کارگردانی نرگس آبیار امشب ساعت ۲۰ در پردیس سینمایی کوروش برگزار می‌شود.

■ **نشست «اسلام و حقوق بشر»**
نشست «اسلام و حقوق بشر» با سخنرانی محمد سروش محلاتی و خیرالله پروین امروز ساعت ۱۵ در مجموعه تالارهای دانشگاه صنعتی امیرکبیر برگزار می‌شود.

■ **نشست «دیجیتالی شدن و پیامدهای فرهنگی آن در جهان»**
نشست «دیجیتالی شدن و پیامدهای فرهنگی آن در جهان» با سخنرانی کوروش برارپور و پویا نصرتی امروز ساعت ۱۶ در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات واقع در خیابان ولیعصر نرسیده به میدان ولیعصر، خیابان دمشق برگزار می‌شود.

■ **نشست «رسانه در آیینه دانشگاه»**
نشست تخصصی «رسانه در آیینه دانشگاه» با سخنرانی نعمت‌الله فاضلی، محمدامین قانعی‌راد و حسن نمک‌دوست تهرانی امروز ساعت ۱۵ در محل سالن حکمت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌شود.

■ **نشست «عشق در جهان مدرن»**
نشست عشق در جهان مدرن با سخنرانی مهرداد ناظری امروز ساعت ۱۵ دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، نیم طبقه اول برگزار می‌شود.

■ **بزرگداشت مقام علمی و معنوی علامه جعفری**
مراسم بزرگداشت مقام علمی و معنوی علامه محمدتقی جعفری، با حضور عبدالله نصری استاد گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی و از شاگردان علامه جعفری، امروز ساعت ۱۶:۳۰ در بنیاد نخبگان استان تهران واقع در خیابان استاد نجات‌اللهی جنوبی، کوچه شهید حقیقت طلب، شماره ۱۷ برگزار می‌شود.

اتاق تاریک

حسین گنجی
منتقد هنری

پیرامون نمایشگاه «حد» رضا صدیقیان در گالری امکان

حد انتزاع

به تصویر در آوردن و تلاش برای جسم بخشیدن به مفهومی انتزاعی، مفهومی که هست ولی دیده نمی‌شود، کاری بسیار دشوار، سخت و دیریاب است. بسیاری از اندیشمندان و فیلسوفان از ابتدای شکل‌گیری انسان تلاش کرده‌اند به اثبات و نشان دادن چیزی بپردازند که از حضور و قطعیت‌اش مطمئن بوده‌اند ولی نمی‌توانستند آن را به صورتی ملموس نشان دهند. شاید از دل همین تلاش سالیان بوده است که هنر انتزاعی متولد شده است. هنری که تمام تلاش‌اش ورود به جهانی است که دیده نمی‌شود ولی در ذهن‌ها از هر چه دیده شدنی است باورپذیرتر و مستحکم‌تر است. هنر شاید یگانه موجودی است که می‌تواند وارد این سرزمین جادویی شود و تصویری هر چند محو و مختصر بدهد و برای خیالات، رویاها و خواب‌های ما تصویری باورپذیر ارائه کند. و کار هنرمند باورپذیر نمی‌شود مگر اصولی را رعایت کند، که اگر انتزاع هم باشد اصول و اسلوب‌های خود را دارد. انتزاع به معنای عبور از تمامی چارچوب‌ها و عبارت‌ها و به تصویر کشیدن هر چیزی و قالب کردن آن به جای چیزی دیگر نیست. یعنی شما نمی‌توانید از خنکی و تَری این حس‌های واقعی اما غیر قابل دیدن تصویری ارائه بدهید که هیچ کدام از احساساتی که ما در مواقع خنکی و تَری حس می‌کنیم را در خود نداشته باشد. همان‌طور که نمی‌توانید از گرما تصویری ارائه کنید و تابلو یا اثر هنری را بکشید بی آن که مخاطب در برابر آن گرم‌اش شود و حس حرارت را بر تن و روح خود حس کند. این موضوع شامل تمامی مفاهیم بی‌شکل ولی اثبات شده و امر واقعی غیر قابل دید و موجود ما نیز می‌شود. «حَد» عبارت کوچک ولی عمیقی که بر پوستر نمایشگاه آثار رضا صدیقیان قرار گرفته است درست از همین جنس روایت‌های غیر قابل رویت، ولی واقعی است. اما بلافاصله باید گفت کدام حَد؟ حَد به معنای بازداشتن، حَد به معنای کیفر و مجازات، حَد به معنای مرز و حایل یا نه حَد به معنای برندگی و تیزی. خلط این معانی و آزادی دریافت هر کدام خود نشانه و مؤلفه هنر انتزاع است ولی آیا خود این انتزاع نباید حدی داشته باشد. به عبارت دیگر حَد انتزاع (در اینجا حَد به معنای مرز) کجاست؟ صدیقیان در انتخاب رنگ بخوبی عمل کرده و رنگ سیاه بخوبی توانسته دلهره و اضطراب را که مؤلفه‌های معرف حَد هستند به جان مخاطب و مشاهده گر خود بیندازد ولی از سوی دیگر نتوانسته برای او حد را آن طور که باید، یعنی بر پایه مؤلفه‌های باورپذیر و حقیقی ارائه کند. شاید رها نکردن و قرار دادن کادر و قابی بسته برای سیاهی‌های یک دست می‌توانست مرز را و محدودیت را و حد را به مخاطب منتقل کند. می‌توانست این‌طور مخاطب خود را به سلول انفرادی بکشاند و در آنجا او را حد بزند یا برایش حد تعیین کند یا دست و دلش را با تیزی آن ببرد، اما با بهره‌ای اندک از فلسفه ذن و رها کردن مخاطب در یک حیاط برهوت حَد خود را ابتر رها کرده است. حدی که می‌توانست با کادرهای بسته و آوردن ایماژها و فکت‌های برآمده از ذهنیات و انتزاعات هنرمند، مخاطبش را دست‌گیری کند. شاید گفته شود که قراری بر دست‌گیری نبوده است و قرار بوده در این خلأ، بیابان و جنگل او در پی اوهام برود. اما خوب همین کار را هم نکرده است. قاب‌های صدیقیان نه مرا دست‌گیری می‌کند و نه مرا به تصویری از خیالاتم از حَد می‌کشاند و نه من را رها می‌گذارد. شاید اینجا را باید نقطه موفقیت صدیقیان و کارهایش دانست که مرا بین پذیرش کار و نپذیرفتن کار به‌عنوان اثر هنری با موضوع حد رها می‌گذارد. اما وقتی با دنیایی سراسر ساده انگارانه روبه‌رو می‌شوم و در محیط گالری قرار می‌گیرم بیش از هر چیز احساس می‌کنم در مواجهه با یک دوربین مخفی قرار گرفته‌ام. دوربینی که اثر برایش مهم نیست بلکه مواجهه مخاطب با اثر و شکل مواجهه برایش مهم است. ولی ای کاش صدیقیان به مفهوم مرز از دل حَد می‌پرداخت و رنگ مشکی را برای به دام کشیدن مخاطب و اسیر کردن‌اش در دنیای هول و ترس و خیال به کار می‌برد و نه در قالب قاب‌های بزرگی که بزرگیشان هم نتوانسته از کوچکی و کم مایگی شان بکاهد.

ایران ما

رضا سلیمان‌نوری

آسبادهای خوانشرف؛ نمونه‌ای از اندیشمندی مردم نهبندان

آسبادها یکی از دست ساخت‌های ویژه بشری است که برای استفاده بهینه از نیروی فراوان باد توسط مردم حاشیه شرقی مناطق بیابانی ایران ایجاد شده است. این آسبادها برخلاف آسیاب اروپایی که به صورت افقی طراحی شده، محورهایی به صورت عمودی دارند. در این بین تعداد بالای آسبادهای شهرستان نهبندان خراسان جنوبی باعث شده تا این خطه به دیار آسبادها معروف شود. آسبادهایی که در روستاهای خوانشرف، همند، رومه، میغان و چهارفرسخ بیش از سایر مناطق این شهرستان دیده می‌شوند و البته در این بین آسبادهای خوانشرف دارای ویژگی بی‌نظیری هستند. این آسبادها برخلاف سایر آسبادهای منطقه در ۲ طبقه ساخته شده و فضای بالایی آنها مکانی برای کار گذاشتن بزرگ‌ترین قطعات آسیاب است. این فضا از ۳ طرف محصور و جهت باز آن در معرض وزش باد است. طبقه همکف نیز شامل انبارهای نگهداری آرد و گندم و یک رشته پلکان منتهی به طبقه فوقانی است. سنگ آسیاب نیز شامل ۲ سنگ هم‌اندازه مدوراست که سنگ زیرین ثابت و سنگ فوقانی متحرک است. این سازه‌ها به دلیل نوع کاربرد فاقد تزئین هستند.

عدد

۱۹۵ اثر در بخش رقابتی دوسالانه نگارگری

پس از ارزیابی مرحله دوم آثار رسیده به دبیرخانه دهمین دوسالانه ملی نگارگری ایران از روی اصل آثار، ۱۹۵ اثر به بخش رقابتی این دوره دوسالانه راه یافت که ۵۴ اثر در بخش تذهیب، ۵۰ اثر در بخش گل و مرغ، ۶۶ اثر در نقاشی ایرانی و ۲۵ اثر در بخش تشعیر و سیاه قلم توسط هیأت داوران به نمایشگاه دهمین دوسالانه ملی نگارگری ایران راه یافت. امیر طهماسبی عضو هیأت انتخاب دهمین دوسالانه ملی نگارگری ایران گفت: از لحاظ خلاقیت و نوآوری نسبت به دوره قبل تفاوتی در آثار دیده نمی‌شود ولی کیفیت اجرا بسیار بهتر است.

۱۰۰ پرتره مشاهیر ایرانی با تسبیح چوبی

پرتره‌های مشاهیر سینما و تئاتر ایران برای نخستین‌بار با به‌کارگیری رشته‌هایی افشان از مهره‌های چوبی ساخته شده است. نمایشگاه ۱۰۰ چهره سرشناس سینما - تئاتر ایران دستاورد تلاشی گروهی حرفه‌ای با مشارکت ۱۰۰ هنرمند حوزه هنرهای تجسمی پس از شش ماه فعالیت است. این نمایشگاه تا ۲۷ آبان‌ماه از ساعت ۱۶ تا ۲۰ در گالری آریانا به نشانی خیابان الهیه، انتهای مریم شرقی، ابتدای فرشته (شهید فیاضی)، شماره ۹ برپا است.

افسانه از واقعیت جان می‌گرفت
هرگام از گوشه شهر بر راهی واحد می‌دوید
سیاوش کسرایی
به بهانه پایان ضیافت بزرگ روزنامه‌ها

نگاره

فیروزه مظفری